

بررسی اشتغال زنان در فقه امامیه و حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۱۰)

علی اصغر مرادی^۱

کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

دکتر علی رحیمی صادق^۲

هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

چکیده

یکی از مسایل مهم و مورد توجه اسلام، حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است، در این میان مسأله اشتغال زنان مورد توجه اندیشمندان و از موضوعات مهم اجتماعی در ایران و جهان می باشد. هدف از این پژوهش بررسی اشتغال زنان در فقه امامیه و حقوق ایران است. با استفاده از روش تحقیق توصیفی _تحلیلی به تجزیه و تحلیل نتایج پرداختیم. دیدگاه اسلام در مورد اشتغال تابع نگاه جامع این دین به جایگاه انسانی، نیازهای اجتماعی انسان با در نظر گرفتن اهداف خلقت و سازگاری این فعالیت ها با فطرت و طبیعت روحی زن می باشد. بر همین اساس در فرهنگ اسلامی، یکی از مسایل اساسی در انتخاب شغل، متناسب بودن شرایط احراز شغل با ویژگی های شاغل است و در این میان به مصلحت جامعه و خانواده توجه شده است. بسیاری از حقوقی که در چارچوب خانواده برای یکی از طرفین قرار داده شده در حقیقت از حقوق نهاد خانواده است نه از حقوق فردی زوجین. برای مثال سرپرستی مرد در خانواده، لزوم نفقه برای همسر و مواردی از این قبیل اهتمامی است که برای نهاد خانواده است. و نباید آن را دلیل بر تضعیف یکی از دو جنس در مقابل دیگری دانست. در خصوص اشتغال زنان به جز در مورد عدم خروج از منزل بدون اجازه شوهر و انتخاب شغل منافی مصالح خانواده در سایر موارد منع فقهی و حقوقی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، فقه امامیه، حقوق. ایران، مصالح خانواده.

^۱ نویسنده مسئول

^۲ asmoradi88@gmail .com

^۳ ali_rahimisadegh@yahoo.com



مقدمه

اشتغال زنان در خارج از منزل از یک سو و نیز مسئولیت اولیه زن مسلمان در خصوص ایفای نقش خود در خانواده به عنوان همسر و مادر و اهتمام به پرورش فرزندان مکتبی از سوی دیگر، بسیار دشوار و سنگین می باشد، به طوری که آنها باید با تحمل مشکلات و سر پنجه‌ی تدبیر و توانمندی، آن را به سر منزل مقصود برسانند و تلفیقی مناسب و سالم بین این دو مسئله ایجاد نمایند. از طرفی نمی توان شایستگی ها و توانایی های زنان را به عنوان نیمی از نیروی فکری جامعه در پذیرش بعضی از مسئولیت ها در عرصه های فرهنگی، علمی و تربیتی نادیده گرفت. در جهان امروز آن چه در توسعه و پیشرفت کشورها نقش مؤثری دارد بهره برداری اصولی از توانایی ها و استعداد های انسانی است، که در این میان زنان می توانند نقش مؤثری را در بخش های آموزش بهداشت و درمان و... ایفا کنند. و حذف زنان از صحنه های اجتماعی در حقیقت حذف نیمی از جامعه ی انسانی است. لذا ضروری است نظام اسلامی با رعایت مصالح کلی جامعه و مصالح فردی مبتنی بر استعدادهای فطری زنان و مصالح خانوادگی (حفظ کیان خانواده) زمینه مشارکت متناسب با شئون زن مسلمان را با حفظ حریم الهی عفاف و تقوی و براساس آموزه های دینی و فقه پویای اسلامی برای زنان فراهم آورد (یزدخواستی، ۱۳۷۵، ۸۱). با توجه به این که زن به عنوان موجودی اجتماعی می باشد که پا به پای مرد در اجتماع فعالیت نموده و در عین حال در کانون خانوادگی خویش نیز عهده دار مسئولیت های مهم می باشد. لذا بررسی عوامل مرتبط با وضعیت اشتغال او و تأثیر آن بر روابط خانوادگی و تحت الشعاع قرار دادن حقوق شوهر بالاخص تربیت فرزندان حائز اهمیت خواهد بود.



این مقاله به دنبال تحلیل و بررسی دقیقی از حقوق زنان به نام اشتغال در خارج از خانه و جمع آن با سایر وظایف فطری و مادری زن می‌باشد که در این پایان‌نامه به آن پرداخته شده است. برای ورود به بحث اشتغال زنان ابتدا نیاز است که مبانی اشتغال و لازمه‌های اشتغال برای زنان و شرایط اشتغال زنان بررسی گردد تا بتوان دلایل فقهی اشتغال زنان در خارج از خانه را بهتر تبیین نمود.

یکی از مسایل مهم و مورد توجهی جامعه بین الملل، حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است، در این میان مسأله اشتغال زنان در خارج از منزل مورد توجه اندیشمندان و از موضوعات مهم اجتماعی در جهان می‌باشد. دیدگاه اسلام در مورد اشتغال زنان و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان تابع نگاه جامع این دین به جایگاه انسانی و نیازها و مصلحت‌های فردی و اجتماعی انسان با در نظر گرفتن اهداف کلی خلقت و سازگاری این فعالیت‌ها با فطرت و طبیعت روحی و جسمی زنان می‌باشد. بر همین اساس در فرهنگ اسلامی، یکی از مسایل اساسی در انتخاب شغل، متناسب بودن شرایط احراز شغل با ویژگی‌های شاغل است و به مصلحت جامعه و خانواده توجه شده است.

در فرهنگ اسلامی خانواده نهادی مقدس و مورد نظر خداوند است. مودت و رحمت عطیه‌ای است که از ناحیه خداوند به دو رکن خانواده اعطا شده است. با توجه به اهمیت و نقش خانواده در سعادت انسان، مقرراتی برای استحکام این نهاد وضع شده و در شریعت، سرپرستی واحد برای آن منظور گردیده است (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...) (نساء / ۳۴).

بسیاری از حقوقی که در چارچوب خانواده برای یکی از طرفین قرار داده شده در حقیقت از حقوق نهاد خانواده است نه از حقوق فردی زوجین. برای مثال سرپرستی مرد در خانواده، لزوم



نفقه برای همسر و مواردی از این قبیل اهتمامی است که برای نهاد خانواده و در جهت استحکام آن می باشد. و نباید آن را دلیل بر تضعیف یکی از دو جنس در مقابل دیگری دانست چگونه می توان به استحکام خانواده نظر داشت اما نسبت به نیاز خانواده به سرپرستی که بر مصالح، حیثیات و تصمیمات خانوادگی افراد نظارت کند بی توجه بود؟

آیا می توان وظیفه تأمین معاش و نفقه ی خانواده را از دوش مرد برداشت و زن را برای تأمین مالی خود یا خانواده روانه ی بازار کار کرد و در عین حال انتظار بر خورداری از محیطی آرام و توأم با مودت و رحمت و تربیت نسلی صالح را داشت؟

وظیفه اصلی زنان بنا بر خلقت الهی ایفای نقش مادری و تربیت فرزندان به عنوان راز تداوم حیات بشری می باشد و به گواهی تاریخ، هیچ زنی نبوده است که در کنار وظایف جانبی خود نخواسته باشد از این وظیفه خطیر که با مقتضیات فطری او ارتباط دارد، اجتناب ورزد.

با توجه به وظیفه اصلی زن که بنا بر خلقت الهی ایفای نقش مادری و تربیت فرزندان می باشد و انجام این مهم از مقتضیات فطری وی می باشد، و از طرفی نمی توان شایستگی ها و توانایی های زنان را به عنوان نیمی از پتانسیل فکری جامعه در پذیرش بعضی از مسئولیت ها در عرصه های مختلف اجتماعی نادیده گرفت، لذا بررسی این حقوق و تبیین حدود و ثغور آن از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و در نتیجه آشنایی زنان مسلمان از حدود وظایف خود مهم است.

قانون مدنی ایران مطابق با فقه امامیه بحث اشتغال زنان را منوط به اجازه همسر می داند. به موجب ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: "شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند." با تصویب اولین قانون حمایت از



خانواده ۱۳۴۶ از شدت این حکم کاسته شده و طبق آن شوهر حق ندارد بدون اجازه ی دادگاه زن خود را از اشتغال به کار منع نماید. شوهر باید در دادگاه ثابت کند که شغل همسرش با مصالح خانوادگی یا حیثیات طرفین منافات دارد. در این راستا ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ مقرر می دارد: "شوهر می تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلال در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می کند." تشخیص اینکه شغل زن یا شوهر منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت همسر هست یا نه با دادرس است که باید در این زمینه به عرف رجوع کند. مثلاً اگر شغل زن طوری باشد که به هیچ وجه نتواند در امور خانواده و نگهداری و تربیت اطفال همکاری کند و این شغل اختلال و نابسامانی در وضع خانواده پدید آورد می توان گفت مخالف مصالح خانوادگی است. همچنین اگر شوهر کارمند عالی رتبه دولت یا تاجری معتبر و زن بلیط فروش سینما باشد، می توان گفت شغل زن با حیثیت شوهر سازگار نیست و دادگاه به درخواست شوهر باید زن را از اشتغال به این کار منع کند. توجه به این مسئله باعث شد که به بررسی چگونگی اشتغال زنان در فقه امامیه و حقوق ایران می پردازیم .

بخش اول: کار و اشتغال

در هر نوع بررسی سؤالی که ابتدا به ذهن متبادر می شود تعریف خود «موضوع» می باشد که اشتغال و شغل یعنی چه؟ منظور از طرح عنوانی مانند وضعیت اشتغال زنان چیست؟

دو نوع پاسخ برای این سؤال می توان یافت:

الف - اشتغال به معنای حضور در ساختار اجتماعی آن هم بدلیل بهره وری اقتصادی؛



ب - اشتغال به معنای دارا بودن سهم تاثیر در تکامل جامعه.

تعریف اشتغال زنان در سه سطح

اشتغال زنان در سه سطح خرد، کلان و توسعه تعریف می شود:

۱- اشتغال برای تامین زندگی خصوصی (زندگی خانوادگی):

۲- سهم بودن در ایجاد عدالت اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - اقتصادی یا نظام موازنه (زندگی اجتماعی):

۳- اشتغال به معنای سهم بودن در تکامل (زندگی تاریخی) (لطیف پور، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

برخی تعریف اشتغال را «به مجموعه فعالیت هایی که در یک دوره معین که در مقابل آن مزدی پرداخت می شود» بیان کرده اند. براساس این تعریف، زنانی که در دوره معین به فعالیت می پردازند و در قبال این فعالیت مزد دریافت می کنند زنان شاغل محسوب می شوند و موضوع بحث ما درباره اشتغال این زنان می باشد. با این تعریف، کار بسیاری از زنان که در خانه و به صورت کار شخصی انجام می دهند از موضوع بحث خارج می گردند و فقط آن دسته از فعالیت ها را شامل می شود که اساسا در خارج از منزل و کار شخصی و در محیط اجتماعی صورت می پذیرد

کار از دیدگاه اسلام شامل همه ی فعالیت ها و کارهای مفیدی است که موجب ارتقاء روحی، معنوی، اخلاقی و اقتصادی انسان می شود. بدین ترتیب اسلام دیدی همه جانبه نسبت به کار دارد به گونه ای که هم زمان به جنبه های مادی و معنوی کار عنایت دارد. از طرفی ارزش مادی



کار را تا آن جا بالا برده که کار مجاز را تنها وسیله مالکیت مشروع دانسته و آیه کریمه (لِإِنْسَانٍ أَلَّا مَ سَعَى) (نجم، آیه ۳۹) برای آدمی جز آنچه آن جام داده نخواهد بود. بسیاری از آیات دیگر مؤید این مطلب است. در اسلام همه ی قراردادهای مالی و سودها و انتفاع حاصله، بر اصل کار پایه گذاری شده و هر کس محصول کار خود را می برد، البته اگر کسی به دلیل بیماری و پیری و نظایر آن قادر به آن جام کار نباشد خداوند حق او را در کار دیگران مقرر داشته است. (و فی اموالهم حقٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) (ذاریات، آیه ۱۹).

اسلام ارزش معنوی کار را تا حد جهاد فی سبیل اله ارتقاء بخشیده است، هم چنان که در بعضی روایات کار کردن برای تأمین معاش خود و افراد تحت تکفل را در حد جهاد فی سبیل الله به شمار آورده است. بنابراین کاری که جنبه تولیدی داشته باشد و واقعاً کار باشد و یک گوشه از احتیاجات فرد و جامعه را تأمین کند بسیار ارزشمند است، این ارزش به حدی بالاست که پیامبر عزیز اسلام بر دست پینه بسته کارگر بوسه زدند و فرمودند: این دستی است که در آتش نخواهد سوخت و خداوند این دست ها را دوست دارد

در فقه اسلامی هر کاری با توجه به مصالح و مفاسدی که بر آن مترتب است سنجیده می شود و تابع حکم خاصی از احکام خمسّه است. (واجب - حرام - مستحب - مباح - مکروه). زمانی فایده کاری به اندازه ای برای فرد یا جامعه زیاد است که آن جام آن به تعبیر فقهی واجب است و زمانی عملی برای فرد یا جامعه یا هر دو مضراست در این صورت آن عمل ممنوع و به اصطلاح فقهی حرام می باشد. و یا کاری ممکن است تابع یکی از سه حکم دیگر فقهی، مباح، مکروه و مستحب باشد. یکی دیگر از مصادیق مهم کار در تعالیم فقه اسلامی، کار به منظور کسب معاش فردی که خود یک واجب عینی است و یا اعمال مورد نیاز جامعه که خود یک



واجب کفایی است، می باشد. به بیان دیگر، فقه، کار و فعالیت افراد را صرفاً از دید اقتصادی و بازدهی مادی نمی نگرد و با توجه به آثار هر کاری، حکم آن را تعیین می کند. به همین ترتیب فقه اسلام با واجب شمردن فعالیت هایی که برای فرد و جامعه مفید است، افراد را به اشتغال به آنها تشویق می کند. در جوامع، امروزه در کشورهایی که اقتصاد ارشادی یا برنامه ای حکم فرماست با امتیازات مادی افراد را به سوی مشاغل و فعالیت های مورد نیاز جامعه سوق می دهد، اما حقوق اسلامی علاوه بر تأمین نیازهای مادی افراد، که جامعه هم وظیفه دار آن است به اتکاء ایمان و اعتقاد مسلمانان و به انگیزه ی معنوی خدمت به اجتماع، افراد مسلمان را متوجه فعالیت های مفید و عام المنفعه می کند (قایمی، ۱۳۸۶: ۱۷)

بخش دوم: کار و اشتغال از دیدگاه قرآن

در بسیاری از آیات قرآن کریم کلمه «عمل» و مشتقات آن به چشم می خورد (حدود ۱۲۵ بار) که در بسیاری از آن ها کار به عنوان جوهر وجودی انسان و وسیله ی تکامل او و نیز عامل صیقل روح است و از این راه انسان به روزی مقرر دست پیدا خواهد کرد و معیشت خود و عائله اش را سامان خواهد بخشید. کار رکن اساسی زندگی به شمار رفته تا آن جا که کار کردن به منظور اداره زندگی «واجب عینی» می باشد و بر هر شخص مکلفی واجب است به خاطر اداره زندگی خود و عائله اش کار کند تا از مواهب الهی بهره مند گردد.

در اینجا به چند نمونه از آیات قرآن کریم در این خصوص اشاره می کنیم:

- ۱- وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (قصص، آیه ۷۳).



و از رحمت اوست که برای شما شب و روز را قرار داد تا در آن آرامش یابید و از فضل او (روزی خود را) بجوید، و شاید که سپاس گزار باشید.

۲-... وَ تَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِيَتَبَّغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (فاطر، آیه ۱۲).

... کشتی‌ها را در آن [دریا] می‌بینی که امواج را می‌شکافند تا از فضل او (روزی) طلبید و شاید که سپاس گزار باشید.

- (نکته) بهره‌گیری از ماهی و استخراج مواد زینتی و کشتیرانی، برکاتی است که با تلاش انسان همراه است و گرنه برکات دریا بسیار است.

۳- فَأَذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه، آیه ۱۰).

و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.

مراد از انتشار در ارض، متفرق شدن مردم از مسجد به بیرون و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا، یعنی رزق و روزی است. و اگر در میان همه‌ی کارهای روزانه بخصوص طلب رزق را نام برده برای این بوده است که در مقابل ترک بیع در آیه‌ی قبلی واقع شود، لکن از آن جایی که در آیه قبلی گفته شده منظور از ترک بیع همه‌ی کارهایی است که آدمی را از نماز باز می‌دارد، لاجرم باید بگوییم منظور از طلب رزق هم، همه‌ی کارهایی است که عطیه‌ی خدای تعالی را در بردارد. (طباطبائی، ۱۳۹۴: ۵۵).



خداوند در این آیات و آیات مشابه انسان را امر به فعالیت و کسب و کار نموده تا از این طریق به فضل و روزی دست یابد و امرار معاش نماید.

بخش سوم: آثار تربیتی کار و اشتغال

کار، سازنده انسان و بیکاری و تنبلی فاسد کننده اوست، لذا ارزش کار صرفاً نه از جهت کسب درآمد یا شکوفایی اقتصادی است، بلکه در تأثیری است که بر انسان می گذارد و شخصیت او را پرورش می دهد.

برخی از آثار کار در انسان عبارتند از: (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۱۵).

۱- شکوفایی استعدادها: وجود آدمی سرشار از استعدادهای گوناگون است که باید آن ها را شکوفا کند. این استعدادها وقتی ظهور می کند که آدمی از جای خود برخیزد، حرکت کند، با سختی ها درگیر شود و در دل حوادث قرار گیرد. انسان در کار، خود را می آزماید، کشف می کند و به توانایی های وجودی خود پی می برد. اگرچه این اثر در میان مرد و زن یکسان است ولی در زنان به دلیل محدودیت های فقهی، اجتماعی و عرفی و... که وجود دارد برای زنان دارای اهمیت بیشتری است و به رسمیت شناختن حق کار زنان موجب شکوفایی بیشتر استعدادهای آنان نسبت به مردان می شود.

۲- لطافت احساس: بیکاری، تنبلی و سستی، قساوت می آورد اما کار کیمیاست و مس وجود انسان را زر می کند. کسی که اهل کار است، قدر زحمت و کار را می داند، از رنج مردم به رنج می افتد، شادمانی مردم او را شاد می کند. کار، کارخانه ی سازندگی و تربیت و تعالی احساسات انسانی است.



این ویژگی نیز در میان زنان و مردان یکسان است اما لطافت احساس زنان بیشتر است لذا اهمیت آنان به کار و اشتغال و احساس مسئولیت در آنان بیشتر می‌باشد.

۳- تمرکز قوه خیال: در هنگام بیکاری، پرنده خیال به هر سو پرواز می‌کند و انسان را به دنبال خود می‌کشاند و چه بسا او را به سمت افکار و اوهام فاسد و شیطانی رهنمون شود. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: اگر نفس خود را به کاری مشغول نکنی، او تو را مشغول می‌کند اما آن کس که به کاری مشغول است، فکر و خیالش متوجه آن کار است و به امور بیهوده نمی‌اندیشد.

این ویژگی در میان زنان و مردان چندان تفاوتی ندارد و برای هر دو به یک میزان خطرناک است.

۴- احساس عزت نفس: کسی که کار می‌کند و دستش را پیش دیگران دراز نمی‌کند احساس عزت و کرامت می‌کند، هرچند درآمد او اندک باشد و یک زندگی معمولی را بگذرانند. امام علی (ع) به کارهای سخت تن می‌داد، چاه و قنات حفر می‌کرد، باغبانی می‌کرد، حتی به ازای دریافت مزد و اجرت برای دیگران کار می‌کرد. این همه را آن‌جام می‌داد تا عزت نفس خود را حفظ کند و دست نیاز به سوی دیگران دراز نکند و به مردم نیز درس عزت و کرامت بیاموزد.

در خصوص احساس عزت نفس از آن‌جا که مردان کار و تلاش و کسب روزی را حق مسلم خود می‌دانند لذا آن‌جام آن را یک وظیفه تلقی می‌کنند در صورتی که در زنان آن‌جام آن یک اثر فرا وظیفه‌ای محسوب شده و برای زنان یک امتیاز به حساب می‌آید و موجب احساس عزت نفس می‌شود.



بخش چهارم: مقام انسانی زن از دیدگاه اسلام

دین مقدس اسلام با ظهور خود و افکار عالیّه اجتماعی اش نه تنها زن را از ذلت به اوج عزت و سربلندی ارتقاء بخشید، بلکه اهل بصیرت و تفکر را با قوانین ارزشمند خویش منقلب ساخت.

اسلام برای اصلاح اوضاع اجتماعی و بهبود شئون حیات مردم، در درجه اول اصلاح زن را در ابعاد مختلف مورد همت خود قرار داد. زمانی که عرب جاهلی برای زن حقوق انسانی قائل نبود و دختران خود را زنده به گور می کرد و مورد خطاب قرآنی «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»، (زیدان، ۱۳۸۸: ۲۸) (به کدامین گناه کشته شد) و یا با تولد فرزند دختر اندوهگین می شدند.

همانگونه که قرآن در این باره فرموده: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل، آیه ۵۸) (و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره اش سیاه می گردد در حالیکه خشم خود را فرو می خورد)، در چنین فضایی برای حفظ شرافت و شئون مادری و ایفای رسالت همسری و توجه به تعلیم و تربیت کودک و حضانت او، مرد را موظف می دارد که برای انفاق زوجه و اقارب کمر همت ببندد، در این فرهنگ دیگر زن نه ابزار تملک است و نه آلت لذت صرف، در این قانون او آنقدر احترام دارد که در بسیاری از امور تقدم در رتبت دارد، اسلام نسبت به زن دیدی احترام آمیز و توأم با شخصیت دارد و همه ی تعالیم و دستورات اسلام از همین مطالب حکایت می کنند. زن در بینش اسلام نیمی از پیکر جامعه است، او را می توان معلم جامعه ی بشری نامید تا حدی که همه رسدها و پیشرفتها از او نشأت می گیرد. قرآن کریم در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم به دو نمونه از زنان با ایمان و به کمال رسیده (همسر فرعون و مریم دختر عمران) اشاره می کند و آنان را به عنوان اسوه و الگو برای زنان و مردان معرفی می نماید.



دین اسلام و کتاب مقدس قرآن در خصوص زن، بر خلاف تبلیغات سوء دشمنان که به بهانه طرفداری از حقوق زن در برابر قوانین الهی قد علم نموده اند، نظریه‌ی درخشان و رأی قابل ملاحظه و متعادلی در این مورد دارد و همه نظریات افراطی و تفریطی قبل را مورد نقد قرار می‌دهد، در سوره بقره آیه ۱۸۷ خداوند مردان و زنان را با بهترین تشبیه و تعبیر نسبت به هم معرفی کرده و می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و انتم لباسٌ لهنَّ» (زنان برای شما مردان لباس هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید). آیه اشاره به این مطلب دارد که همانطور که لباس پوششی است برای محافظت بدن از سرما و گرما و پوشاندن عیوب، باید هریک از زن و مرد وسیله‌ای باشند تا دیگری را هنگام سختی و گرفتاری از اندوه و غم حفظ کرده و نیز عیوب و اسرار همسران خود را محافظت نماید. و یا در سوره نساء آیه ۱۹ می‌فرماید: «... و عاشروهن بالمعروف...» (و با آنان به شایستگی رفتار کنید). اسلام زن را به ریحانه (گل خوشبو) تعبیر کرده که با او نباید خشن و بد رفتار بود بلکه با لطافت و محبت باید با او برخورد شود.

پیامبر (ص) فرموده: «ساووا بین اولادکم فی العطیة فلو کنت مفضلاً لَفَضَلْتُ النساء (در میان فرزندان خود مساوات را در بخش و عطایا رعایت کنید، اگر من بنای تفضیل و رجحان داشتم و اینکار با من بود دختران و زنان را مقدم می‌داشتم).

و نیز آن حضرت فرمود: هر کس دختری داشته باشد و نسبت به او اهانت روا ندارد و فرزند پسر را بر او مقدم نکند خداوند او را وارد بهشت می‌کند.

مصلحت خداوند متعال بر آن واقع شد که با اهدای دختری پاکدامن و عفیف چون فاطمه (س) به پیامبر گرامیش، اعتقاد خرافی و جاهلانه ننگ از داشتن فرزند دختر را در هم کوید و با ارائه‌ی الگوی حقیقی و ارزشمندی چون حضرت فاطمه (س) فضیلت و ارزش زن را به



جهانیان آشکار سازد. دشمنان دین خدا بعد از وفات فرزندان ذکور پیامبر (ص) او را ملامت کرده و می گفتند مقطوع النسل است، چرا که آنان انتقال نسل و نسب را تنها از طریق فرزند پسر می دانستند. اما خداوند حکیم، کوثر (خیر فراوان) را به رسولش بخشید تا از بطن مطهر وی یازده اختر تابناک و فروزان تولد یافته و پرچم هدایت و ولایت جهان بشریت را برافراشته سازند. (قائمی، ۱۳۷۳، ۱۲).

پیامبر اعظم (ص) اهانت کنندگان به مقام زن را مورد سرزنش قرار دادند و فرمودند: « ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهن الا لئیم »

(جز برخورداران از کرامت و شرافت انسانی زنان را گرامی نمی دارند و جز فرومایگان و لئیمان زنان را مورد اهانت قرار نمی دهند).

اسلام در سیر من الخلق الى الحق یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست. تفاوتی که اسلام قائل است در سیر من الحق الى الخلق است، در بازگشت از حق به سوی مردم و تحمل مسئولیت پیغامبری است که مرد را برای اینکار مناسب تر دانسته است. (مطهری، ۱۳۸۷، ۱۱۹).

اسلام دوست داشتن زن را جزء اخلاق انبیاء معرفی کرد و گفت « مِنْ اخلاقِ الْاَنْبِیاءِ حُبُّ النِّسَاءِ » پیغمبر اکرم می فرمود: من به سه چیز علاقه دارم: بوی خوش، زن، نماز. دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که درباره ی زن وجود داشته این است که می گفته اند زن مقدمه ی وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است. اسلام هرگز چنین سخنی ندارد. اسلام اصل علت غایی را در کمال صراحت بیان می کند، اسلام با صراحت کاملی گوید زمین و آسمان، ابر و باد، گیاه و



حیوان همه برای انسان آفریده شده اند اما هرگز نمی گوید زن برای مرد آفریده شده است. اسلام می گوید هریک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند « هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و انتم لباسٌ لهنَّ » (بقره، آیه ۱۸۷) زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آنها.

بخش پنجم: زن و جایگاه مادری او در آفرینش انسان

از جمله نقش هایی که خداوند در آیات قرآن برای زن بیان فرموده، نقش و جایگاه ویژه او به عنوان مادر، در مراحل مختلف آفرینش و تکوین انسان است، نقش مادری از جمله نقش هایی است که بنا به مقتضای غریزه و فطرت به عهده زنان بوده و ابزار لازم جهت این مهم در نهاد وی به ودیعه گذاشته شده است. قرآن با اشاره به نقش مادر در آفرینش انسان و شکرگزاری این نقش می فرماید: « وَوصینا الانسانَ بوالدیه حملته امه وهنَّ علی وهن و فصالة فی عامین ان اشکر لی و لوالدیک الی المصیر » (لقمان، آیه ۱۴).

(و انسان را درباره ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی، و از شیر بازگرفتنش دو سال است. این که مرا و والدینت را شکر گزار باشی که بازگشت همه به سوی من است). در این آیه نیکی و مراعات والدین را به انسان سفارش کرده و بلافاصله نقش مادر را به طور خاص بیان فرموده و زحمات و مشقات او را در دوران بارداری و شیردهی گوشزد می کند. در ادامه، شکر و سپاس الهی و شکر والدین را هم ردیف هم ذکر می کند. پروردگار عالم که رفیع الدرجات است و هر نعمتی از اوست و شکر نعمتهایش واجب است، در این آیه شریفه، با هم ردیف قرار دادن شکر خویش و شکر والدین و ذکر خاص نام مادر، والدین و بویژه مادر را نیز ولی نعمت انسان شمرده و بنا به یک نسبت طولی آنان را به



عنوان واسطه و مجرای فیض و نعمت و لطف خویش معرفی کرده است. (موسوی مدنی، ۱۳۸۵: ۷۰).

بخش ششم: اشتغال زنان (انگیزه ها، پیامدها)

روابط خانوادگی تحت تأثیر پویایی نهادهای اجتماعی با تحول دائم رو به روست. با تحول شرایط زیستی و به طبع آن، بر روزنیازهای جدید، پیوسته نقش ها در حال تغییراند، به طوری که از اعتبار نقش های سنتی روز به روز کاسته شده و موجبات دگرگونی آنها فراهم می شود. تأثیر اجتماعی عمده این تغییر، دگرگونی روال سنتی در نقش زنان و تقسیم کار درون خانه است. همانطور که می دانید در اسلام بار تأمین معاش زندگی بردوش مردان است و زنان در این زمینه مسئولیتی ندارند، این به لحاظ رأفت اسلام است که زن به تناسب جنبه های روانی و عاطفی در کاری آن جام وظیفه کند که امکان آن برایش موجود باشد. زن اجباری ندارد که در محیط خشن و توأم با سروصدای کارخانه، و یا در عمق معادن و زیر زمین ها به تحمل صدمات و مشقات پردازد و نان برای اعضاء خانواده فراهم کند. در مقابل آنچه اسلام از زن می خواهد این است که زندگی ساز و هنرمند باشد. هم عامل آرامش و سکون باشد و هم بهشت را زیر قدم خود داشته باشد، اولی را در سایه ی خوب شوهرداری کردن و دومی را در سایه خوب تربیت کردن نسل آینده به دست آورد اما این بدان معنا نیست که اسلام کار و تولید زن را حرام کرده و حضور او را در اجتماع منع نموده باشد، بلکه به شواهد تاریخ زن همیشه در خانه کار می کرده و در خارج از منزل نیز با همسرش به فعالیت می پرداخته است. با این مقدمه به بررسی انگیزه اشتغال زنان در موضوعات مختلف می پردازیم.^۲



بخش هفتم: مشکلات مالی و تأمین بخشی از نیازهای اقتصادی

با توجه به شرایط اقتصادی کنونی جوامع امروز و بالا رفتن هزینه زندگی در بسیاری از خانواده ها، درآمد مردان جوابگوی نیازهای اقتصادی خانواده ها نیست. زنان در سطوح مختلف طبقاتی با انگیزه های یکسان وارد بازار کار نمی شوند عده ای از آنها علی رغم اینکه از سطح پائینی از تحصیل و تخصص برخوردار هستند، صرفاً به لحاظ مشکلات مالی و تأمین بخشی از نیازهای اقتصادی خانواده و کمک به شوهران خود، وارد عرصه ی کار می شوند و این عده در انتخاب نوع کار چندان تصمیم گیرنده نیستند و در صورتی که وضعیت مالی خانواده بهبود یابد، به سرعت انگیزه کار کردن را از دست می دهد و فعالیت خود را رها می کنند اینگونه مشاغل که فقط با انگیزه صرفاً مالی و عدم احساس رضایت از شغل بدون بازدهی فرهنگی و رشد شخصیتی آن جام می شود، نه تنها موجب ارتقاء آگاهی نمی گردد، بلکه به دلیل تعارضی که بین نقش مادری و اشتغال بیرون خانه پیش می آید، مادر را دچار مشکل می کند که کارگران زن عموماً در این گروه قرار می گیرند و اینگونه زنان شاغل به علت اینکه از امکانات حمایتی مناسبی نیز در محیط کار خود برخوردار نیستند، ساعات های زیادی بچه های خود را رها کرده و نسبت به تربیت آنها غافل می شوند. البته اشتغال به کار اینگونه زنان به آنها کمک می کند تا در تصمیم گیری ها و امور اساسی خانواده و نظارت بر هزینه و بودجه ی خانواده تأثیر گذار باشند و از طریق توانا شدن زن در تصمیم گیری ها و رشد شخصیت او، الگوی مناسبی از او برای فرزنداناش می سازد (عراقی، ۱۳۵۶۷: ۴۷)



بخش هشتم: سرپرست خانواده به دلایل مختلف

در جامعه کم نیستند زنانی که با از دست دادن همسر خود به هر دلیل، به تنهایی نه فقط وظایف مادرانه خود را به بهترین نحوه ممکن آن جام می دهند، بلکه از عهده ایفای نقش پدر نیز در اداره خانواده به خوبی برآمده اند. کارنامه زندگی سخت و دشواری که این گروه از زنان داشته اند بهترین شاهد این نکته است که آنها به منظور کسب هویت اجتماعی و تأمین نیازهای خانواده، مشقت کار در بیرون از خانه را بر خود هموار ساخته اند و یا زنانی که ازدواج موفق نداشته و تحت ظلم و آزار شوهر قرار دارند به علت احساس عدم پشتوانی اقتصادی از طرف همسر یا به دلیل متارکه قادر به تأمین زندگی نیستند و جامعه نیز از طریق سازمان های مکمل پیش بینی حمایت های لازم و کافی را از وی نمی کند، تلاش می کنند تا از طریق فعالیت های اجتماعی و اقتصادی زندگی خود را در آینده بهبود بخشند (جوادی، ۱۳۸۹: ۷۴).

بخش نهم: پیامدهای مثبت اشتغال بانوان

موارد زیر را می توان از پیامدهای مثبت اشتغال بانوان برشمرد.

۱- کاهش نرخ رشد جمعیت به لحاظ آگاهی های فردی و اجتماعی زنان و محدود شدن تعداد افراد خانواده که منجر به افزایش سطح خدمات آموزشی، اقتصادی و تربیتی خانواده به فرزندان خواهد شد.

۲- افزایش آگاهی و بینش اجتماعی و نهایتاً ایجاد روحیه اعتماد به نفس و استقلال فکری و روحی در زنان.



۳- شکوفایی استعداد و ابراز وجود به صورت مثبت، داشتن خود پنداری مثبت، رشد و پرورش شخصیت و رفع نیازهای روانی.

۴- کمک به جبران بخشی از هزینه‌های زندگی و تأثیر آن بر ارتقاء سطح بهداشت، آموزش و... خانواده و استحکام یافتن خانواده از طریق تأمین نیازهای ضروری.

۵- تقویت روحیه مقاومت و اتکاء به خود در بین بچه‌ها و آماده سازی آن‌ها برای جامعه و زندگی آینده‌ی خودشان.

۶- ارتقاء پایگاه حقوقی و حفظ منزلت زن به نحو قابل توجه.

۷- ارتقاء و آگاهی نسبت به مسایل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و ایجاد روحیه مشارکت جدی در رفع آن‌ها در سطح خانواده و اجتماع.

۸- آشنایی بیشتر با روش‌های ارتقاء بهره‌وری از امکانات مادی و معنوی خانواده و جامعه و نیز تلاش در جهت افزایش بهره‌وری.

۹- توانمند شدن زنان در کمک به حل مشکلات آموزشی، اخلاقی و تربیت فرزندان.

۱۰- ارتقاء توان مدیریت و ایجاد زمینه جهت اعمال آن در خانواده در تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده.

۱۱- کمک به رشد و توسعه فرهنگی - اجتماعی کشور از طریق تخصص و مهارت‌های بانوان.

۱۲- استفاده از اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی.



۱۳- تأمین اجتماعی زنان در مواقع بروز بحران های مختلف درسین پیری، بیماری و از کار افتادگی (لطیف پور، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

بخش دهم: پیامدهای منفی اشتغال بانوان

از جمله پیامدهای منفی اشتغال بانوان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تحمیلی طاقت فرسا بر زنان: به نظر می رسد پذیرش اشتغال برای زنان به معنای زیر بار مسئولیتی مضاعف رفتن و قبول نقش های متعدد و احیاناً متعارض است؛ زیرا زنان بنابر تعهد عاطفی و اخلاقی خودشان، هیچ گاه از زیر بار مسئولیت های همسری و مادری شانه خالی نمی کنند، لذا اشتغال برای آنان تحمیلی فوق طاقت است و می تواند اضطراب، فشار روانی و... را به دنبال داشته باشد. برخی از جامعه شناسان تصریح می کنند که اشتغال مادران در خارج از منزل بر مسئولیت آنان به طور ناعادلانه افزوده است

۲- سست شدن کانون خانواده: رابطه اشتغال زنان و طلاق از مباحثی است که باید بیشتر مورد دقت قرار گیرد. در بررسی عوامل زمینه ساز جدایی و گسیختن خانواده، به سستی و سردی روابط عاطفی از مدت ها قبل از طلاق بر می خوریم، افزون بر این، خستگی ناشی از کار و پیامدهای آن مزید بر علت می شود و به صورت تدریجی خانه ای که قبلاً آرامشگاه و محل تأمین نیازهای متقابل زن و شوهر بود، اکنون مبدل به استراحتگاه دو کارمند می شود که ساعت هایی را صرفاً برای آماده شدن کار فردا در زیر یک سقف و چه بسا در دو اتاق جداگانه به سر می برند و بالاخره جدایی روانی، طلاق و جدایی فیزیکی را به دنبال دارد.



۳- تأثیر اشتغال زنان بر بیکاری مردان و تأخیر در ازدواج آنها: تأخیر در ازدواج و بیکاری دو مشکل عمده فرهنگی و اجتماعی کنونی ماست. این دو مشکل، علل و عوامل متعددی دارد، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد این دو مشکل، اشتغال زنان می‌باشد، زیرا با اختصاص یک فرصت شغلی توسط یک زن، طبیعتاً یک مرد از بدست آوردن یک فرصت شغلی بازمی‌ماند (البته شغل هایی که خاص زنان نباشد مثل مامایی و...) و مرد بیکار امکان ازدواج برایش فراهم نمی‌شود و از طرف دیگر توقعات زنان شاغل زیاد می‌شود و اکثریت قریب به اتفاق آنان حاضر به ازدواج با مردان بیکار نیستند. پیامد آن، معضلات، مفاسد و مشکلات فراوان فرهنگی و اجتماعی است که دامنگیر جامعه و به خصوص جامعه‌ی زنان می‌شود زیرا آثار منفی روحی و روانی تأخیر در ازدواج بیشتر متوجه زنان و دختران است تا مردان و پسران. بنابراین اگر اینگونه فرصت‌های شغلی به مردان اختصاص داده شود هم مشکل بیکاری مردان که خود را مسئول تأمین هزینه زندگی می‌دانند و هم مشکل ازدواج جوانان تا حدود زیادی حل می‌شود

۴- مشاغل تمام وقت و طولانی، فرصت ارتباط با اعضای خانواده را کاهش داده و در سنین کودکی که فرزندان نیازمند ارتباط‌های کلامی و حسی می‌باشند باعث بروز محرومیت‌های عاطفی و سوء تغذیه روانی می‌گردند، مگر آنکه این نقیصه را از طریق سازمان‌های مکمل، نظیر مهد کودک‌های نزدیک به محل کار یا از طریق بستگان نزدیک نظیر مادر بزرگ‌ها بتوان جبران نمود. (این گونه نگهداری هم مشکلات خاص خود را در بر خواهد داشت).

۵- گسترش اختلافات خانوادگی در صورت فقدان هماهنگی لازم بین زن و مرد و ایجاد عدم تعادل میان نوع شغل و مسئولیت‌های مادری و همسری.



۶- خستگی جسمی و روحی زنان شاغل به واسطه تلاش مضاعف آنان برای برآورده کردن انتظارات خانوادگی و اجتماعی

۷- موضع گیری و حساس شدن زوجین نسبت به یکدیگر در منزل به علت فروخوردن خشم ناشی از تبعات کار بیرون از منزل و کاهش توان و ظرفیت جسمی و روحی آنان.

۸- عدم درک متقابل زن و مرد نسبت به حدود وظایف و مسئولیت های یکدیگر و فقدان سازمان های زیر بنایی و مکمل که بتواند جانشین مادر شوند.

۹- کم ارزش قائل شدن برای نقش خطیر خانه داری و تربیت فرزندان و عدم توانایی زن در آن جام توأمان کار بیرون و داخل خانه.

این موارد از جمله پیامدهای منفی اشتغال بانوان هستند که باید با برنامه ریزی دقیق از بروز عوارض ناشی از آن ها جلوگیری کرد (جهانگیری، ۱۳۸۷: ۸۹)

بخش یازدهم: قرآن کریم و اشتغال زنان

با بررسی آیات قرآن کریم متوجه این مطلب می شویم که قرآن کریم به طور مستقیم و بی واسطه به طرح مسئله اشتغال زنان و مردان نپرداخته است. یعنی هیچ دلیل ایجابی مبنی بر اشتغال و فعالیت اقتصادی برای مردان و منع زنان از اشتغال در قرآن وجود ندارد ولی با توجه به برخی از آیات می توان اباحه کار و فعالیت زنان را به دست آورد.

در حقیقت می توان گفت حکم شرعی اشتغال زنان در خارج از منزل مشمول احکام خمس (اباحه، استحباب، وجوب، کراهه و تحریم) است و تابع زمان، مکان و شرایط مختلف می باشد



و نمی توان یک حکم کلی در این زمینه صادر نمود، واضح است که حکم اولیه کار زن جواز و اباحه است. براین مطلب کتاب خدا، سنت رسول الله (ص)، روایات ائمه علیهم السلام، عقل و فتوای فقها دلالت دارند.

در همین زمینه آیت اله جوادی آملی می فرماید:

قرآن با توجه به اختلاف تکوینی زن و مرد - جز در موارد مخصوص که فرق گذاردن بین این دو جنس، لازمه وجود و ذات آنان است - تمام حقوقی که برای مردان قرار داده، برای زنان نیز مقرر کرده است و در مواردی که برای یکی از این دو جنس، حقوق بیشتری قرار داده، وظایف بیشتری نیز بر عهده او نهاده است.

بخش دوازدهم: حق مالکیت زنان بر اموالشان در قرآن

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، آیه ۳۲) (برای مردان از آنچه بدست آورده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده اند بهره ای می باشد)

یعنی زنان نیز اگر مالی بدست آورند همانند مردان مالک دستاورد خود خواهند بود.

زنان می توانند به شکل های مختلفی مال کسب کنند، ارث، هدیه و از جمله راه های کسب مال، کار و اشتغال در خارج از خانه است. پرواضح است که آیه اطلاق دارد و شامل اموال مکسبه از طریق اشتغال خارج از خانه نیز می شود لذا آیه به طور ضمنی اشتغال در بیرون از خانه را امضا می نماید.



نتیجه گیری

در اسلام بار تأمین مخارج زندگی بر عهده مرد است و زن در این زمینه مسئولیتی ندارد و کار و اشتغال زن فی نفسه حرام نیست ولی این عمل مستلزم خروج زن از منزل شوهر است، که فقه مذاهب اسلامی بیشتر پیرامون این موضوع اظهار نظر کرده اند. لذا در ادامه در پاسخ به سوال اصلی پژوهش در فقه امامیه و حقوق ایران اجازه اشتغال زنان چگونه است؟ به مهمترین نتایج دست یافته در این مقاله اشاره می کنیم:

۱. در فقه مذهب امامیه، نظر غالب و مشهور، خروج بی قید و شرط زن از منزل شوهر را جایز نمی داند، لذا کار و فعالیت شغلی او نیاز به کسب اجازه ی شوهر و جلب رضایت وی دارد. عده ای از فقهای امامیه، خروج زن از منزل شوهر را در مواردی که منافی حق استمتاع شوهر باشد جایز ندانسته اند، ولی عده ای دیگر خروج زن بدون اذن شوهر را مطلقاً جایز نمی دانند.

۲. فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که نشوز (خروج زن از اطاعت شوهر) موجب سقوط نفقه است. آنها تنها در مواردی اشتغال و خروج زن از منزل شوهر را جایز می دانند که زن با شرط اشتغال ازدواج نموده باشد و یا قبل از ازدواج تعهد خدمت داده باشد. در این موارد شوهر نمی تواند از کار و اشتغال زن یا خروج او از منزل ممانعت نماید، هر چند منافی حق استمتاع وی باشد، مگر اینکه شغل او منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد آن هم با اثبات در دادگاه.



۳. همان گونه که زن در امور مالی و دارایی خود از نظر اسلام، از استقلال مالی برخوردار است، در امور غیرمالی نیز دارای آزادی در شئون شخصی و استقلال اجتماعی می باشد، اما در چهار چوب روابط زوجیت و امور مربوط به خانواده، گذشته از آن که به مقتضای حقوق و تکالیف ناشی از زوجیت موظف به ایفای حقوق شوهر و حسن معاشرت و معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد است به موجب ریاست شوهر نیز موظف به پیروی از صلاحدید و مصلحت اندیشی اوست و لازم است آنچه را که شوهر به خیر و
۴. مصلحت خانواده و اعضای آن تشخیص می دهد، بپذیرد و با او همکاری نماید .
۵. نمونه بارز آن زمانی است که شوهر خروج زن از منزل را به صلاح خانواده نمی داند یا اینکه نوع خاصی از اشتغال را منافی با مصالح و حیثیات خانوادگی تشخیص می دهد، بدیهی است در این گونه موارد، زن باید تابع تصمیمات سرپرست خانواده باشد و برنامه ها و راهکارهای او را بپذیرد تا به همکاری یکدیگر امر خانه و خانواده را سامان دهند. ناگفته نماند که شوهر نیز حق سوء استفاده از موقعیت خود و اختیارات ناشی از آن را ندارد، زیرا هدف از ریاست مرد حفظ نظام و استحکام خانواده است، و می بایست با همدلی با شریک زندگی خویش سعادت خانواده را فراهم نماید. از این رو قانون گذار مدنی هم در ماده (۱۱۰۵) آن را در جهت حفظ مصالح خانواده از نظر مبانی عقلی و ادله شرعی امری موجه و تردید ناپذیر دانسته است.



۶. با توجه به ویژگی ها، نحوه ی خلقت و وظایف مهم زن از سویی و نگاه به آثار و تبعات کار زن در خارج از خانه از سویی دیگر، به این واقعیت می رسیم که غالباً کار زن در خارج از منزل با ویژگی ها و وظایف اساسی او در تزامن است. اختلاط و ارتباطی که در محیط کار بین زن شاغل با مردان نامحرم به وجود می آید، با عفاف مورد نظر اسلام برای زن ناسازگار است. و همچنین زن نمی تواند به درستی به وظایفی همچون تربیت فرزندان، رسیدگی به امور خانواده، دلگرمی و حمایت عاطفی از افراد خانواده بپردازد. در یک جمع بندی می توان گفت با توجه به تحلیل ساختاری خانواده که هر یک از زن و شوهر دارای نقش های متمایز و مکمل هستند و با ملاحظه تفاوت های تکوینی که سوگیری طبیعی پذیرش نقش ها را فراهم می کند و با توجه به تفاوت نقش های تشریعی که هنجارهای زیر بنایی قوانین و الگوهای مراوده ای در خانواده را مشخص می کند همچون در نظر گرفتن و تخصیص اداره ی مالی خانواده بر عهده مرد و الویت اداره ی تربیتی - عاطفی خانواده برای زن، هم چنین به لحاظ پیامدهای منفی اشتغال بانوان، در مجموع، اولویت حضور زنان در اداره ی امور داخلی خانواده ثابت می گردد و اشتغال به طور کلی و به ویژه در خارج از منزل به عنوان نقش ثانوی و پس از فراغت از ایفای مسئولیت اولیه و با در نظر گرفتن مصالح و حیثیات خانوادگی، برای زنان قابل توصیه است، پس به وضوح می توان نتیجه گرفت که کار زن در خارج از منزل اگر چه جایز است (با رعایت شرایط) ولی غالباً با وظایف اساسی او در تزامن است. قطعاً یکی از دلایل وجوب نفقه زن بر



مرد و تأمین نیازهای اقتصادی و مادی او از طرف شوهر، این است که زن برای تأمین مایحتاج خود نیازی به خارج شدن از منزل نداشته باشد.

۷. کار زنان در محیط خارج از خانه با دشواری های متعددی همراه و حتی در مواردی مسئله آفرین است، به تحقیق بخشی از اختلافات و درگیری های خانوادگی مربوط به کار زنان است که بر اثر آن بخشی از وظایف و مسئولیت هایی که مرد از زن توقع دارد بر زمین می ماند.

۸. اغلب زنان کارمند گرفتار خستگی روحی اند، زیرا مسئولیت آنها سنگین و غیر قابل تحمل است. هم باید کار بیرون را آن جام دهند و هم کارهای خانه را، هم نگهداری فرزند و هم حفظ آرامش خاطر شوهر را، این کاری بس سنگین و دشوار است و جمع کردن بین این دو، کار آسانی نیست، آنها حتی وقت کافی ندارند که از کودک خود دلجویی کنند.

۹. سنگینی وظیفه و مسئولیت سبب می شود که به شوهر خود نرسند به کارهای او بی اعتنا باشند، نگاه ها دلسرد کننده و برخوردها یأس آور باشد و این خود موجب افسردگی و اختلاف هاست، بنابراین کار زنان در خارج از منزل ناسازگاری خانواده را زیاد می کند اگر چه ممکن است از لحاظ اقتصادی منافی را نصیب خانواده گرداند.

۱۰. مقتضای زندگی خانوادگی ایجاب می کند که زن و شوهر با هم آن چنان پیوند و تفاهم داشته باشند که هیچ چیزی وحدت و ارتباط آن را از هم نگسلد. ارزش



زندگی و پیوند خانوادگی به میزانی است که اسلام اجازه نمی دهد کمترین خدشه ای بر آن وارد شود و قداست آن به حدی است که اسلام نمی خواهد کمترین لکه ای آن را آلوده سازد . لذا شایسته است که زن در رابطه با کار بیرون از منزل با شوهر خود هم اندیشی و مشورت نماید و پیامدها و ابعاد جانبی آن را در نظر بگیرد تا از حدود و ثغور شرع و قانون خارج نشود.

۱۱. به طور خلاصه می توان گفت : مکتب رهایی بخش اسلام کار زن را جایز می داند، به اعتبار این که کار به خودی خود یک عمل مشروع است اما زمانی که کار در بیرون از منزل باشد و آن هم به حقوق شوهر و خانواده آسیب برساند، با این نوع کار مخالف است مگر اینکه شوهر اذن به آن جام و ادامه آن را بدهد، زیرا رعایت حقوق شوهر و خانواده را برای زن اصل، و خروج او برای کار مشروع را فرع می داند، به همین علت شایسته نیست که یک فرع، اصل را تهدید نماید.



منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد

۱. احمدیه، مریم، ۱۳۸۲ش، موازنه حقوق و اخلاق در خانواده، تهران، نشر شورای فرهنگی زنان، چاپ اول.
۲. ارفع، سید کاظم، ۱۳۸۶ش، خانواده در مکتب قرآن و اهل بیت (ع)، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ هفتم.
۱. اسعدی، سید حسن، ۱۳۸۵ش، حقوق متقابل اعضاء خانواده، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول.
۲. امامی، اسداله و صفایی، حسن، ۱۳۷۸ش، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم.
۳. امامی، سید حسن، ۱۳۷۶ش، حقوق مدنی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، چاپ دوازدهم، جلد ۴.
۴. آیت الهی، زهرا، ۱۳۸۱ش، زن و خانواده، تهران، نشر شورای فرهنگی زنان، چاپ اول، جلد ۱ و ۲ و ۳.
۵. باقری، شهلا، ۱۳۸۲ش، اشتغال زنان در ایران، تهران، نشر شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، چاپ اول.



۶. بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۲ش، تأثیرات اشتغال مادران بر کودکان و نوجوانان، مجله پیوند، شماره ۱۷۱، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۷. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۷ش، نهج الفصاحه، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ اول.
۸. جعفرپور کلوری، راشد، ۱۳۸۴ش، نقش کار در اقتصاد جامعه، مجله پیوند، شماره ۳۰۶، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۹. جمعی از دانشمندان مسلمان، ۱۳۸۶ش، حقوق و مسئولیتهای زن در نظام اسلامی، تهران، ناشر مجمع جهانی تقریب مذاهب، جلد ۱ و ۲.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ش، زن در آینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء، چاپ سوم.
۱۱. جهانگیری، محسن، ۱۳۸۵ش، بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم.
۱۲. خسروی، زهره، ۱۳۷۸ش، نقش تأهل و اشتغال بر خود پنداری زنان ایرانی، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س).
۱۳. خمینی، روح اله، ۱۳۸۶ش، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ دهم.
۱۴. زلمی، مصطفی ابراهیم، ۱۳۸۷ش، خاستگاههای اختلاف در فقه مذاهب (ترجمه حسین صابری)، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ دوم.



۱۵. زیدان، عبدالکریم، ۱۳۸۷ش، حقوق و تکالیف زن در اسلام، (مترجم: سهیلا رستمی)، تهران، نشر احسان، چاپ اول.
۱۶. ساروخانی، باقر و مجد آبادی، اسماعیل، ۱۳۷۸ش، بررسی مسایل اشتغال زنان و خانواده، طرح پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۷. علویون، سید محمدرضا، ۱۳۸۴ش، کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین المللی کار، تهران، نشر روشنگران، چاپ دوم.
۱۸. غفوریان، محمدرضا، ۱۳۷۷ش، همسر در سرای شوهر، مجله فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۱۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. قائمی، علی، ۱۳۸۶ش، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ دهم.
۲۰. قائمی، علی، ۱۳۷۳ش، حیات زن در اندیشه اسلامی، تهران، انتشارات امیری، چاپ اول.
۲۱. قائمی، علی، ۱۳۸۶ش، خانواده از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم
۲۲. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ اول.



۲۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱ش، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت انتشار، چاپ سوم، جلد ۱.

۲۴. کار، مهرانگیز، ۱۳۸۴ش، زنان در بازار کار ایران، تهران، نشر سحاب، چاپ سوم.

۲۵. گواهی، زهرا، ۱۳۷۲ش، سیمای زن در آئینه فقه شیعه، تهران، چاپ سوم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۶. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۷ش، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ پانزدهم.

۲۷. محمدی، مریم، ۱۳۸۶ش، ماده شانزدهم کنوانسیون زنان از نگاه فقه شیعه، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.

۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵ش، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دهم.

۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ش، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ۶۶.

۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷ش، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ۴۸.

۳۱. مطهری، مرتضی، یاداشت ها، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، جلد ۷.

۳۲. معصومی، سید محمد مسعود، ۱۳۸۷ش، احکام روابط زن و مرد، قم، بوستان کتاب، چاپ هفدهم.



۳۳. معین، محمد، ۱۳۸۴ش، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات ادنا، چاپ سوم، جلد ۱ و ۲.
۳۴. مغنیه، محمدجواد، ۱۳۸۶ش، فقه تطبیقی (ترجمه کاظم پورجوادی)، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، چاپ پنجم.
۳۵. مقدادی، محمد مهدی، ۱۳۸۵ش، ریاست خانواده، تهران، نشر شورای فرهنگی زنان، چاپ اول.
۳۶. مهدوی، محمدصادق، ۱۳۷۵ش، عوامل مؤثر بر رضایت زن و شوهر، تهران، مبتکران، چاپ دوم.
۳۷. مؤلفی، سید احمد، ۱۳۷۸ش، کار و جامعه، مجله کار، شماره ۳۱.